

بنیامین گراهام نظریه پرداز افسانه ای وال استریت

بنیامین گراهام یکی از نظریه پردازان بزرگ سرمایه گذاری در سال های پس از جنگ جهانی دوم است. کسانی مانند وارن بافت از شیوه ها و نظریات او بسیار الگو برداری کرده و کل ثروتش را از بازار بورس و به اذعان خودش از شاگردی در محضر بنیامین گراهام به دست آورده است. نظریات گراهام نه تنها همچنان در بازار سرمایه کاربرد دارند و از آن ها استفاده می شود که جزء موفق ترین و کاربردی ترین شیوه های سرمایه گذاری مبتنی بر ارزش، در جهان هستند.

بنیامین گراهام در سال ۱۸۹۴ در انگلستان متولد شد. در یک سالگی همراه با خانواده به آمریکا مهاجرت کرد و در کودکی به دلیل فوت پدر فقر را تجربه کرد و از همان کودکی علاوه بر تحصیل به کار هم می پرداخت بنیامین گراهام یکی از معروفترین فعالان بورس در سال های دهه ۶۰ میلادی بود که علاوه بر نظریه پردازی با خریدهای خود توانست به عنوان یک بروکر موفق نام خود را در تاریخ بورس نیویورک ثبت کند. او موفق شد در ادامه از دانشگاه کلمبیا بورسیه گرفته و در رشته های فلسفه و ریاضیات تحصیل کند ولی گرایش او به بازار بورس از ۲۰ سالگی هنگامی که در یکی از کارگزاری های وال استریت مشغول به کار شد نمایان شد. او در بسیاری از موارد پنهانی به مشتریان کارگزاری مشاوره می داد و همین باعث حسادت دیگر همکاران او شد و در نهایت از آنجا اخراج شد. ولی گراهام که به سرمایه گذاری های خود بسیار مطمئن بود با سرمایه اندک به خرید سهام در بورس نیویورک ادامه داد و پس از مدت کوتاهی توانست میلیون ها دلار از این راه کسب و نام خود را به عنوان یکی از معامله گران مطرح وال استریت مطرح کند.

او در سال ۱۹۳۴ با انتشار کتاب تحلیل امنیت خود را به عنوان یکی از اقتصاددانان تحلیلگر بازار بورس مطرح کرد و پس از آن بیشتر به تحقیق و مطالعه در این زمینه پرداخت.

بسیاری از نظریه های او همچنان مورد توجه فعالان بورس در سرتاسر دنیا است و کتاب های او هم جزو کتاب های مقدس اقتصادی در زمینه سرمایه گذاری و تحلیل بورس به شمار می رود. از او به عنوان یکی از امید دهندگان اقتصادی به آمریکاییان در دوران پس از رکود جنگ جهانی دوم نام برده می شود. طرفداران او از روش هایی پیروی می کنند که به نام نظریه گراهام معروف است. در حال حاضر هم وارن بافت دومین ثروتمند برتر دنیا از همین روش برای تحلیل سهام استفاده می کند. نکات مهم روش گراهام عبارتند از:

۱ - هیچ‌کس از آینده بازار مطلع نیست. پس ما به دنبال پیش‌بینی آینده نیستیم ما براساس رفتار کنونی بازار عمل می‌کنیم.

۲ - هر شرکت دارای دو ارزش دفتری و ارزش بازار است. ارزش دفتری حاصل تقسیم دارایی‌ها بر تعداد سهام و ارزش بازار نیز حاصل ضرب قیمت هر سهم در تعداد سهام است. اگر ارزش بازار شرکتی کمتر از ارزش دفتری آن باشد پس قیمت آن سهم پایین بوده و برای خرید مناسب است.

۳ - سهامی مناسب هستند که از نسبت قیمت/ارزش بازار نزدیک به ۱ و P/E پایین برخوردار باشند.

۴ - فاصله ارزش دفتری با ارزش بازار شرکت، حاشیه اطمینان آن نام دارد که هرچقدر بیشتر باشد یعنی سرمایه‌گذار کمتر از نوسانات غیرمنطقی و بی‌دلیل بازار ضربه خواهد خورد.

سال‌ها پیش، گراهام زمانی که تقریباً ۸۰ سال داشت به دوستی گفته بود، هر روز آرزو داشته یک کار احمقانه، یک کار خلاقانه و یک کار سخاوتمندانه انجام دهد. دست‌یابی به این هدف غریب باعث شد تا او استعدادش را برای ارائه بسته‌ای از ایده‌ها بروز دهد که موعظه‌آمیز یا خودخواهانه به نظر نیایند. هرچند این ایده‌ها بسیار قدرتمند بودند، ارائه آنها، بسیار فروتنانه است.

بنیامین گراهام با انتشار کتاب تحلیل اوراق بهادار در سال ۱۹۳۴، سرمایه‌گذاری را متحول کرد. گراهام که امروزه به عنوان «پدر سرمایه‌گذاری بر مبنای ارزش‌گذاری» شناخته می‌شود، روشی مبتنی بر تحلیل ارائه داد تا سرمایه‌گذاران را که بیش از آنکه مانند انسان‌های منطقی عمل کنند، به طور کورکورانه از یکدیگر تقلید می‌کردند، با دیدگاهی جدید و علمی آشنا کند. روش تحلیل گراهام عاملی بود که مستقیماً باعث متحول کردن رفتار سرمایه‌گذاری او را برای همیشه دستخوش تغییر کرد.